




## Neutralizing individual factors and criminal tendencies through participation in the programs of the Narcotics Anonymous Association (Study of Izeh Narcotics Anonymous Association)

Fardin Lajmorak <sup>1</sup>, Javad Riahi<sup>2</sup>, Esmail Sharifi<sup>3</sup>

### Abstract

**Field and Aims:** Prevention of delinquency is not only possible through repressive attitudes, but in addition, it requires the control of individual factors and criminal tendencies of individuals with the participation of social institutions. The purpose of this study is to investigate one of these measures that is implemented in the form of the "Narcotics Anonymous Association".

**Method:** In this applied study, a quantitative survey method was used. The analyses have been done at two levels: descriptive and explanatory. In order to achieve the purpose of the research, using the method of data collection, the survey data were collected using a researcher-made questionnaire by referring to 102 members of the Narcotics Anonymous Association of Izeh who were willing to cooperate with the researchers.

**Findings and Conclusions:** The findings of the research show that the independent variables of preferential socialization, rehabilitation, and restorative shame have a positive effect on the control of individual factors and criminal tendencies, and the independent variables of correction and control lead to the avoidance of those crimes by their negative effect on the tendency to drug-related crimes. By encouraging addicts to participate in the programs of the Narcotics Anonymous Association and implementing the policy of supporting these associations, it is possible to neutralize the individual factors and criminal tendencies of addicts and prevent the spread of drug-related crimes.

**Keyword:** Delinquency factors, Criminal tendencies, Narcotics, Psychotropic substances, Narcotics Anonymous, Crime reduction.

\* Citation (APA): Lajmorak, F., Riahi, J., Sharifi, E. (2025). Neutralizing individual factors and criminal tendencies through participation in the programs of the Narcotics Anonymous Association (Study of Izeh Narcotics Anonymous Association). *Applied criminology research*, 3(9), 75-100.

[https://www.qacr.ir/article\\_732171.html?lang=en](https://www.qacr.ir/article_732171.html?lang=en)

1. MSc Student in Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Azad University, Broujerdi, Iran. (Corresponding Author). Email: lajmorak@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Law, Faculty of Humanities, Ayatollah Broujerdi University, Broujerdi, Iran. Email: Riahi@abru.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of sociology, Faculty of Humanities, Ayatollah Broujerdi University, Broujerdi, Iran. Email: sharifi@abru.ac.ir



## نقش مشارکت در برنامه‌های انجمن معتادان گمنام در کاهش عوامل فردی و گرایش‌های مجرمانه (مطالعه موردی: انجمن معتادان گمنام ایذه)

فردین لجم اورک<sup>۱</sup>، جواد ریاحی<sup>۲</sup>، اسماعیل شریفی<sup>۳</sup>

### چکیده

**زمینه و هدف:** پیشگیری از بزهکاری صرفاً از راه برخورد های سرکوب‌گرانه میسر نمی‌گردد؛ بلکه علاوه بر آن، مستلزم کنترل عوامل فردی و گرایش‌های مجرمانه افراد با مشارکت نهادهای اجتماعی است. هدف پژوهش حاضر آزمون میدانی این الگوی نظری در قالب «انجمن معتادان گمنام» است. **روش:** پژوهش حاضر از نوع کاربردی است، روش پیمایش کمی به کار گرفته شده است. تحلیل‌ها در دو سطح توصیفی و تبیینی انجام گرفته است. به منظور نیل به هدف تحقیق، با بهره‌گیری از روش گردآوری اطلاعات تمام‌شماری، داده‌های پیمایش با استفاده از ابزار پرسش‌نامه محقق‌ساخته با مراجعه به تعداد ۱۰۲ نفر از اعضای انجمن معتادان گمنام شهرستان ایذه که حاضر شدند با محققان همکاری نمایند، گردآوری شده است.

**یافته‌ها و نتایج:** یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که متغیرهای مستقل معاشرت ترجیحی، بازپروری و شرم بازپذیرنده تأثیر مثبتی بر کنترل عوامل فردی و گرایش‌های مجرمانه دارند و متغیرهای مستقل اصلاح و کنترل با تأثیر منفی خود بر روی گرایش به جرایم مرتبط با مواد مخدر، منجر به اجتناب از آن جرایم می‌شوند. با ترغیب معتادان به شرکت در برنامه‌های انجمن معتادان گمنام و اجرای سیاست حمایت از انجمن‌های مزبور، می‌توان عوامل فردی و گرایش‌های مجرمانه معتادان را تا حد معناداری کنترل کرد و از گسترش جرایم مرتبط با مواد مخدر جلوگیری کرد.

**کلیدواژه‌ها:** عوامل بزهکاری، گرایش‌های مجرمانه، مواد مخدر، مواد روان‌گردان، معتادان گمنام، کاهش جرایم.

\*استناددهی (APA): لجم اورک، فردین، ریاحی، جواد، و شریفی، اسماعیل. (۱۴۰۴). نقش مشارکت در برنامه‌های انجمن معتادان گمنام در کاهش عوامل فردی و گرایش‌های مجرمانه (مطالعه موردی: انجمن معتادان گمنام ایذه). پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۳(۹)، ۷۵-۱۰۰.

[https://www.qacr.ir/article\\_732171.html](https://www.qacr.ir/article_732171.html)

۱. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد، بروجرد، ایران. (نویسنده مسئول). رایانامه: [lajmorak@yahoo.com](mailto:lajmorak@yahoo.com)

۲. استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله‌العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران. رایانامه: [Riahi@abru.ac.ir](mailto:Riahi@abru.ac.ir)

۳. استادیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت‌الله‌العظمی بروجردی (ره)، بروجرد، ایران. رایانامه: [sharifi@abru.ac.ir](mailto:sharifi@abru.ac.ir)

میزان خطر و تهدید مواد افیونی برای زندگی بشر، کمتر از تروریسم و سلاح‌های شیمیایی و میکروبی در جهان نیست، بلکه در مواردی به عنوان یک تهدید عمل‌کننده و فعال، اما آرام و پنهان، حیات بشر را به نابودی کشانده و بیشتر از هر سلاح کشنده و غیرفعال، عمل نموده است. امروزه، یکی از معضلات مهم کشور، مسأله مواد مخدر است که هم از حیث تعداد افراد معتاد و هم از حیث پیچیدگی و دشواری‌های آن یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی کشور محسوب می‌شود. اگرچه آمار دقیقی در خصوص تعداد معتادین کشور و توزیع سنی و جنسی آنها وجود ندارد، اما طبق گفته مسئولین ذی‌ربط وضعیت آماری معتادین در کشور، نشان از حاد بودن مسأله اعتیاد در ایران است. طبق آخرین گزارش دانشگاه علوم پزشکی ایران و همچنین گزارش دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر، آمار رسمی معتادین کشور ۲۸ میلیون نفر مصرف‌کننده مستمر که با احتساب مصرف‌کنندگان غیرمستمر به ۴۴ میلیون نفر می‌رسد و با احتساب خانواده‌ها و وابستگان آنها، این آمار بین ۱۰ تا ۱۲ میلیون نفر برآورد می‌شود؛ نرخ شیوع اعتیاد در کشور نیز در جمعیت فعال ۵ درصد، در میان دانش‌آموزان ۲ درصد و در جمعیت کارگری نیز به بیش از ۲۲ درصد می‌رسد. مسأله‌مندی اعتیاد فقط به آمار معتادین محدود نمی‌شود، پیامدهای اعتیاد، سرمنشأ مسائل متعدد اجتماعی است؛ ۶۵ درصد از کل دستگیری‌ها در ایران مربوط به جرائم مواد مخدر است و از طرفی هر ساله حدود ۴ هزار نفر بر اثر مصرف مواد مخدر جان خود را از دست می‌دهند (آرمان امروز، ۱۴۰۳؛ عصر ایران، ۱۴۰۴؛ مشرق، ۱۴۰۴).

بنابراین، یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی دنیای امروز که جامعه ما را نیز تهدید می‌کند، سوءمصرف مواد مخدر و روان‌گردان و نیز گسترش جرایم مرتبط با آن است. تجربه سالیان متوالی نشان داده است که اعتیاد به هر نوع ماده مخدر را باید نوعی بیماری دانست که مقابله با آن تنها از راه اعمال کیفر و برخوردهای سرکوب‌گرانه میسر نمی‌گردد؛ بلکه این امر مستلزم یک سیاست اجتماعی گسترده و استفاده از تمامی ظرفیت‌های اجتماعی و مشارکت نهادهای جامعه مدنی است.

به این منظور، امروزه انجمن‌های متعددی در سراسر دنیا مشغول فعالیت و ارائه خدمات به بیماران مبتلا به سوءمصرف مواد مخدر می‌باشند. این انجمن‌ها غالباً غیردولتی بوده و متشکل از افرادی است که خود، درد ناهنجار این بیماری را لمس نموده و با آن سالیان متوالی زندگی کرده‌اند. از این رو به‌خوبی قادرند بیمار دیگری را که زندگی‌اش تحت‌الشعاع این بیماری است درک کرده و به بهترین شکل ممکن، در جهت نجات بیمار از بند بیماری اعتیاد، گام بردارند.

یکی از این انجمن‌ها که امروزه در دنیا بسیار مطرح است و با ساختاری منحصربه‌فرد مشغول متوقف ساختن رشد اعتیاد در افراد می‌باشد، انجمن معتادان گمنام با نام اختصاری<sup>۱</sup> NA است. این انجمن از سال ۱۹۵۳ میلادی توسط تعدادی از بیماران بهبود یافته پایه‌گذاری گردیده و در حال حاضر در اغلب کشورها فعالیت نموده و روندی رو به رشد دارد. شیوه عملکرد این انجمن بر پایه کمک بیماران بهبود یافته به بیماران دیگر بوده و تمامی خدمات به بیماران بدون دریافت هیچ‌گونه هزینه‌ای و صرفاً به صورت انتقال تجربیات صورت می‌گیرد. انجمن معتادان گمنام را می‌توان در حقیقت، یک سازوکارهای درمانی و شبکه روابط اجتماعی جایگزین برای معتادانی دانست که در حال بهبودی و بازاجتماعی شدن هستند (شیخ انصاری، ۱۴۰۲، ص ۱۱۹).

اعضای این انجمن، ویژگی مشترک خود را یک بیماری به نام اعتیاد می‌دانند. اعتیاد به هرگونه ماده‌ای که احساسات و افکار آنان را از حالت طبیعی بیرون آورده و دارای وسوسه فکری بی‌پایان و غیرارادی است. معتادان گمنام باور دارند که چاره‌رهایی از اعتیاد، ماهیتی روحانی دارد. اگرچه انجمن خود را یک سازمان مذهبی نمی‌دانند، اما اعضای آن در سراسر دنیا به مذاهب مختلفی گرایش دارند و این جمله که «انجمن معتادان گمنام مذهبی نیست» در اصل بدین معناست که هر کس از هر مذهبی می‌تواند در آن عضو شود. در واقع، انجمن معتادان گمنام مربوط به مذهب خاصی نیست و درک هر عضو از نیروی برتر و خداوند به خود شخص مربوط است.

برای پیوستن به معتادان گمنام هیچ شرط و شروطی وجود ندارد؛ زیرا انجمن معتادان گمنام به هیچ سازمانی وابسته نبوده، با هیچ سازمان سیاسی، مذهبی و یا انتظامی ارتباطی ندارد. به علاوه، انجمن معتادان گمنام حق عضویتی دریافت نمی‌کند، به هیچ‌کس وعده‌ای نمی‌دهد و اعضای آن تعهدنامه‌ای امضا نمی‌کنند، هیچ‌کس تحت نظر نیست و هر کس در صورت تمایل، بدون در نظر گرفتن سن، مذهب، نژاد و هویت جنسی می‌تواند به آنان بپیوندد. معتادان گمنام از طریق اعانات داوطلبانه اعضا، غالباً متکی به خود هستند و اصولاً هیچ‌گونه کمک مالی از افراد غیرعضو یا سازمان‌های دیگر پذیرفته نمی‌شود. حتی خود اعضا هم نمی‌توانند کمک مالی غیرعادی و بسیار زیادی ارائه دهند (انجمن معتادان گمنام ایران، ۱۴۰۴، ص ۱۵).

اصل اساسی گمنامی، باعث می‌شود تا معتادان بدون ترس از ممانعت‌های اجتماعی و قانونی، در جلسات، شرکت کنند. گمنامی، اساس روحانی تمام سنت‌های انجمن است و به باور آنان، همیشه یادآور این است که اصول را به شخصیت‌ها ترجیح می‌دهند (معظمی و پارسا، ۱۳۸۸، ص ۱۲۱). علاوه بر آن گمنامی در سطح انجام خدمات در اولویت می‌باشد. در

معتادان گمنام، رابطه سلسله مراتبی و آمر و مأموری وجود ندارد؛ بلکه خدمت‌گذاران مورد اعتماد برای انجام مسئولیت تعریف شده، به همراه شرح وظایف مشخص شده، از طرف گروه انتخاب می‌شوند و بعد از مدت مشخصی، انجام وظایف به دیگر اعضا که توسط گروه انتخاب می‌شوند، منتقل می‌گردد.

همچنین، گمنامی در معتادان گمنام به این معنی می‌باشد که کلیه اعضای این انجمن، از عضوی با پاک‌ی یک روز تا عضوی با پاک‌ی یک سال یا بیشتر، از جایگاه یکسان و برابر برخوردار می‌باشند؛ در معتادان گمنام وجدان گروهی که خود را در قالب هم‌سویی با سنت‌های انجمن نشان می‌دهد، مرجع نهایی در تصمیم‌گیری گروه‌ها می‌باشد و همه اعضا در تصمیم‌گیری‌های انجمن به انتخاب خود شرکت می‌کنند (هدایتی، ۱۳۸۴، ص ۴۴).

ساختار جلسات NA غیررسمی است و در مکانی که توسط گروه اجاره می‌شود، به طور هفتگی و معمولاً در اماکن عمومی برگزار می‌گردد و توسط اعضا به نوبت رهبری می‌شود. جلسات اشکال گوناگونی دارند: مشارکتی، سخنرانی، پرسش و پاسخ، موضوعی و در برخی موارد ترکیبی از این برنامه‌ها اجرا می‌گردد؛ اما رایج‌ترین نوع برگزاری به صورت مشارکتی است، یعنی گرداننده جلسه به نوبت به اعضا اجازه می‌دهد بین یک تا سه دقیقه صحبت کنند.

در ایران نیز انجمن معتادان گمنام از اواخر دهه ۱۳۶۰ شروع به فعالیت نموده هم‌زمان با گسترش حوزه فعالیتش، در سال ۱۳۸۵ در مراجع قانونی با شماره ۲۱۰۶۵ به ثبت رسید؛ سرانجام انجمن معتادان گمنام ایران، در سال ۱۳۹۲ مجوز فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در سطح ملی را از وزارت کشور دریافت نمود (انجمن معتادان گمنام ایران، ۱۴۰۴، ص ۱۹).

در ایران، اطلاعات کمی در مورد انجمن معتادان گمنام و اثربخشی برنامه‌های آن وجود دارد؛ به طوری که بسیاری از مردم از وجود چنین نهادی ناآگاه‌اند و در میان افرادی که از وجود آن آگاهی دارند، برخی نگرش‌های منفی و بدبینانه ابراز شده است. بی‌تردید، وجود این شرایط از یک‌سو و پژوهش‌های بسیار اندک در این زمینه از سوی دیگر، موجب می‌گردد که داوری علمی درباره انجمن معتادان گمنام در ایران و ارزیابی کارایی آن در ترک اعتیاد به مواد مخدر، بسیار دشوار باشد.

از حیث سیاست‌گذاری برای مقابله با معضل جرایم مرتبط با مواد مخدر، یافت پاسخ این پرسش بسیار مهم است که حضور در انجمن معتادان گمنام چقدر می‌تواند در جلوگیری از ارتکاب یا تکرار جرایم مرتبط با مواد مخدر توسط شرکت‌کنندگان در جلسات انجمن مؤثر باشد؟ آیا انجمن معتادان گمنام صرفاً فرصتی را برای تفریح و وقت‌گذرانی در اختیار معتادان قرار می‌دهد؟ و یا اینکه واقعاً موجبات درمان ایشان را فراهم کرده و به آنها کمک می‌کند تا از ارتکاب یا تکرار جرایم مرتبط با مواد مخدر اجتناب کنند؟

اما مسأله این است که آیا پدیده انجمن‌های معتادان گمنام در ایران که بیش از دو دهه از عمر آن می‌گذرد، توانسته است در راستای کنترل معتادان و بازپروری آنها موفق عمل کند؟ در بررسی هر پدیده اجتماعی، یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های پژوهشی، واکاوی و کنکاش نتایج و پیامدهای آن پدیده است. به عبارتی آسیب‌شناسی پیامدی پدیده‌ها، یکی از دغدغه‌های جاری محققین حوزه‌های مختلف علمی است. بر این اساس مسأله‌مندی این پژوهش ناظر بر آسیب‌شناسی پدیده انجمن‌های معتادان گمنام در ایران است. با وجود قدمت بیش از دو دهه و همچنین وسعت و گستردگی انجمن‌های معتادان در ایران، اما همچنان رشد و گستره اعتیاد در پهنه اجتماعی و آسیب‌ها و جرایمی که از قبل اعتیاد در جامعه شکل می‌گیرد، رو به فزونی است.

بر اساس آنچه که در ابتدای مقاله از ساختار و کارکرد انجمن معتادان مطرح شد، قاعدتاً می‌بایست این پدیده در ایران حداقل در مهار و کنترل اعتیاد و یا حداقل در بازپروری معتادان مراجعه‌کننده به کمپ‌ها موفق عمل کند؛ اما شیوه مهارنشدهی اعتیاد در ایران و تنوع و تکرار مواد افیونی و همچنین پایین آمدن سن اعتیاد و از طرفی رشد اعتیاد در قشر زنان (که در بخش نخست به آمار و شواهد این موارد اشاره شد)، توأم با آمار قابل توجهی از بازگشت مجدد معتادان به کمپ رفته، به سمت اعتیاد و گاه اقدام به جرایم از طرف این افراد، این مسأله را پیش آورد که انجمن‌ها معتادان در ایران چقدر موفق عمل نمودند؟ این مسأله اهمیت واکاوی و آسیب‌شناسی انجمن‌ها را بیش از پیش ضروری می‌سازد.

تحقیق حاضر کوشش می‌کند تا انجمن معتادان گمنام را از حیث رابطه آن با کنترل عوامل فردی بزهکاری و گرایش‌های مجرمانه و تلاش برای کاهش ارتکاب یا تکرار جرایم مرتبط با مواد مخدر مورد ارزیابی قرار داده و گامی در جهت شناخت مستند و علمی کارآیی و اثربخشی برنامه‌های انجمن مزبور بردارد. به این منظور در ادامه، پس از تبیین پیشینه تحقیق، مبانی نظری پژوهش بررسی می‌گردد. سپس، روش تحقیق و مسائل مربوط به آن بیان می‌شود و بعد از آن، یافته‌های پژوهش مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد. در آخر نیز به جمع‌بندی و نتیجه‌گیری خواهد پرداخت.

### پیشینه پژوهش

در خصوص نقش انجمن معتادان گمنام در کاهش و کنترل اعتیاد و وضعیت معتادین در ایران، پژوهش‌های مرتبطی انجام گرفته است. در این بخش به تعدادی از مهم‌ترین و به‌روزترین این پژوهش‌ها اشاره می‌شود: عنایت و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهش خود به دنبال کندوکاوی در سیستم معنای ذهنی زنان معتاد شهر شیراز پرداخته و نتیجه گرفته‌اند که در وابستگی زنان به اعتیاد شرایط زمینه‌ای شامل خشونت ساختاری، بی‌اعتمادی همگانی، خشونت فضایی و فقدان

پذیرش، تأثیرگذار هستند. فرآیند ترک در بین زنان معتاد نیاز به تحلیل و واکاوی عمیقی دارد که جنبه‌های گوناگون آن و فرآیند ترک مواد مخدر دقیق‌تر شناخته شود. حضور این مقوله‌ها در زندگی زنان، تجربه ترک را برای آنان سخت کرده است و هر یک تجربه چندین بار ترک را داشته‌اند که با شکست روبه‌رو شده‌اند. مرادی و نوری (۱۴۰۳) نیز در پژوهشی مشابه به شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر ترک اعتیاد به مواد مخدر در مراکز ترک اعتیاد استان سیستان و بلوچستان پرداخته‌اند. طبق یافته‌ها آنها مهم‌ترین عوامل مؤثر بر ترک اعتیاد در این مراکز؛ عوامل تربیتی و آموزشی، عوامل خدمات درمانی و پزشکی، عوامل کنترلی و مدیریتی، عوامل مشاوره‌ای و عوامل خدمات اشتغال‌زایی هستند.

محمدی (۱۴۰۳) در پژوهش خود به ترسیم الگوی کارکردی مطلوب سازمانی مراکز ترک اعتیاد در ایران پرداخته است. یافته‌های پژوهش او نشان می‌دهد الگوی ناب کارکردی مراکز ترک اعتیاد دارای سه کارکرد اساسی نهادی، اداری و فنی است. مشارکت‌کنندگان در پژوهش ایشان، ناکارآمدی مراکز ترک اعتیاد را بنیادین می‌دانند که ریشه‌های اجتماعی دارد و دلیل این امر این است که در ترسیم الگوی ناب همواره خواهان جلب حمایت‌های نهادی هستند. در پژوهشی دیگر، غلامی و همکاران (۱۴۰۳) به اثربخشی روان‌درمانی شناختی- رفتاری مبتنی بر مدل مایکل فریش بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و بهزیستی روان‌شناختی بر درمان‌جویان مراکز ترک اعتیاد پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد درمان شناختی- رفتاری مبتنی بر مدل مایکل فریش منجر به بهبود مسئولیت‌پذیری و بهبود بهزیستی شناختی درمان‌جویان ترک اعتیاد می‌شود. بر این اساس مراکز مشاوره‌ای و کمپ‌های ترک اعتیاد می‌توانند برای کمک به معتادان از روش‌های درمان غیردارویی مثل نتایج پژوهش حاضر نیز کمک بگیرند.

تاج‌بخش و گودرزی (۱۴۰۲) در پژوهش خود به ارائه مدل جامع و نظام‌مند مؤلفه‌های فرهنگی اجتماعی ترک پایدار اعتیاد در کشور ایران پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد تلاش در راستای بازپیوند اجتماعی فرد ترک کرده و آموزش خانواده‌های درگیر در این راستا، افزایش مشارکت در انجمن‌های NA و فراهم‌سازی عوامل زمینه‌ای چون پایداری در بهبود وضعیت رفاهی و اقتصادی فرد ترک کرده در راستای ماندگاری در ترک بسیار حائز اهمیت می‌باشد. محمدی و نعمتی (۱۴۰۲) نیز در پژوهش خود به آسیب‌شناسی سازمانی مراکز ترک اعتیاد در پاسخگویی به خواسته‌های محیط بیرونی پرداخته‌اند. یافته‌های پژوهش آنان نشان می‌دهد که مراکز ترک اعتیاد با آسیب‌های متعدد درون‌سازمانی (آسیب‌های فرهنگ‌سازمانی، آسیب‌های ساختار سازمانی، آسیب‌های مدیریت منابع انسانی، و آسیب‌های مالی) و آسیب‌های برون‌سازمانی (آسیب‌های فرهنگ محیطی، فشارهای آسیب‌زای نهادی، و عدم حمایت نهادی) روبه‌رو هستند. فولادیان و محمدی (۱۴۰۲) هم در پژوهشی به مقایسه

عوامل مرتبط با بازگشت به اعتیاد در بین دو گروه افراد با ترک قطعی و عود مجدد به مصرف مواد مخدر در کمپ‌های زیر نظر سازمان بهزیستی شهر مشهد پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد که بین دو گروه از حیث متغیرهایی چون حمایت خانوادگی، کنترل خانوادگی، تجربه برچسب و طرد اجتماعی، پیوند با دوستان وابسته به مواد مخدر، و امکانات و خدمات مرکز درمانی تفاوت معناداری به نفع گروه ترک قطعی وجود داشت. به‌علاوه، از حیث متغیرهای دسترسی آسان به مواد مخدر و دریافت پاداش از مصرف مواد بین دو گروه تفاوت معناداری وجود نداشت؛ بنابراین با توجه به اینکه در زمینه بازگشت به اعتیاد عوامل اجتماعی نقش کلیدی دارند، داشتن دیدگاهی جامعه‌شناسی نسبت به نقش اساسی عوامل اجتماعی در کنار خدمات مراکز درمانی جهت اثربخش کردن برنامه‌ها و خدمات ارائه شده توسط مراکز سازمان بهزیستی و جلوگیری از عود مجدد لازم و ضروری است. خوانساری و جعفری هرندی (۱۴۰۱) نیز در پژوهشی به بررسی اثربخشی آموزش دوازده قدم انجمن معتادان گمنام بر تاب‌آوری و خودکارآمدی معتادان پرداخته‌اند. یافته‌های این تحقیق حاکی از این است که بین دو گروه آموزش و کنترل تفاوت معناداری وجود دارد و آموزش دوازده قدم می‌تواند موجب تاب‌آوری و خودکارآمدی اعضای انجمن معتادان گمنام شود. قدرتی و رحیمی چیتگر (۱۴۰۰) نیز تجربه زیسته شرکت‌کنندگان در برنامه‌های انجمن معتادان گمنام را مطالعه کرده و دریافته‌اند که انجمن معتادان گمنام به عنوان یک منبع مهم حمایت توانسته است در بستری از روابط سالم نقش‌های شخصیتی افراد را ترمیم کرده، حمایت‌های عاطفی مناسبی به ایشان بدهد. مشفق و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه خود با هدف شناسایی عوامل سوق‌دهنده به ترک مصرف مواد مخدر در بین مراجعه‌کنندگان به مراکز ترک اعتیاد به این نتیجه رسیده‌اند که عوامل سوق‌دهنده تاثیرگذار بر ترک مصرف مواد مخدر در افراد مراجعه‌کننده به مراکز ترک اعتیاد به ترتیب اولویت عبارت است از عوامل فردی، عوامل اطلاع‌رسانی و تبلیغاتی، عوامل مالی و اقتصادی، عوامل خانوادگی و عوامل فرهنگی و اجتماعی. همچنین، هاشمی و شعبان (۱۳۹۵) نیز در تحقیقی با عنوان «انجمن معتادان گمنام و اثربخشی رویکردهای اخلاق‌محور در بازپروری معتادان»، به این نتیجه رسیده‌اند که رویکرد اخلاقی قوی، بدون ایدئولوژی در برنامه‌های سه مرحله‌ای انجمن معتادان گمنام موجب تقویت ذهنیت اخلاقی معتادان و در نتیجه جامعه‌پذیری مجدد اصول اخلاق اجتماعی در ایشان می‌شود.

مروری بر پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد که پژوهشگران عمدتاً از دو بعد به بررسی پایداری یا ناپایداری ترک اعتیاد و همچنین موفقیت کمپ‌ها و ان‌ای‌ها در این زمینه پرداخته‌اند: برخی عوامل ساختاری را در پژوهش‌های خود مؤثر در ترک اعتیاد نشان داده‌اند (مرادی و نوری، ۱۴۰۳؛ محمدی، ۱۴۰۳؛ تاج‌بخش و گودرزی، ۱۴۰۲؛ محمدی و نعمتی، ۱۴۰۲؛

محمدی، ۱۴۰۲) و دسته دوم به ویژگی‌های شخصی و شخصیتی فرد معتاد در موفقیت کنترل اعتیاد پرداخته‌اند؛ (عنایت و همکاران، ۱۴۰۳؛ غلامی و همکاران، ۱۴۰۳؛ خوانساری و جعفری، ۱۴۰۱؛ قدرتی و رحیمی، ۱۴۰۰). پژوهش حاضر ضمن آنکه جامعه آماری‌ای را انتخاب کرده (شهرستان ایذه) که تاکنون مورد پژوهش قرار نگرفته، همچنین به بررسی رابطه میان حضور در انجمن مورد مطالعه با ترک اعتیاد و نقش این مشارکت در کاهش تکرار جرایم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان پرداخته است. نقش متغیرهای جامعه‌شناختی همچون مشارکت‌های همدلانه در فعالیت‌های انجمن‌های ترک اعتیاد، نقش مؤثرتری می‌تواند در پایداری ترک اعتیاد و کنترل ارتکاب جرایم معتادین داشته باشد.

## مبانی نظری

در خصوص ریشه‌های گرایش به سوءمصرف مواد مخدر و روان‌گردان، تاکنون روان‌شناسان، روان‌پزشکان، جامعه‌شناسان، محققان و متخصصان، نظریه‌های مختلفی را مطرح کرده‌اند. گروهی بر این عقیده‌اند که بیماری‌های روانی و شخصیت نابهنجار علت اصلی اعتیاد است؛ عده‌ای دیگر ناهنجاری‌ها و نابسامانی‌های موجود در خانواده و معاشرت با دوستان منحرف را علت اصلی اعتیاد فرد می‌دانند و سرانجام، گروهی دیگر علل اعتیاد را در اجتماع جست‌وجو کرده و بحران‌ها و بی‌سامانی‌های اجتماعی را علت اصلی اعتیاد به مواد مخدر می‌دانند. بر همین اساس، راهکار حل مسأله و ترک اعتیاد را، اصلاح شخصیت فردی معتاد با استفاده از الگوهای روان‌کاوی و روانشناسی می‌دانند؛ یا اصلاح ساختار معیوب خانواده و دوری فرد از گروه‌های اجتماعی ناسالم را مؤثر می‌دانند و یا عوامل ساختاری اجتماعی-اقتصادی را در این بین مقصر دانسته و اصلاح شرایط معیشتی-اقتصادی و سالم‌سازی نهادهای اجتماعی را تعیین‌کننده‌تر می‌دانند.

پژوهش حاضر، ضمن شناخت عوامل فردی و ساختاری مورد اشاره در دیدگاه‌های پیشین، بر دیدگاه‌های نظری مشارکت‌گرا تمرکز داشته است. به‌زعم محققین، مطالعه موردی انجمن‌های گمنام و توجه به حضور اجتماعی فرد معتاد در جمع همگان، ماهیتاً نشان‌دهنده نقش پررنگ متغیر جامعه‌شناختی مشارکت متعهدانه و همدلانه در امر پایداری ترک اعتیاد و حتی کنترل انجام جرایم ناشی از اعتیاد در بین افراد معتاد است. بر این اساس پشتوانه نظری اصلی تحقیق حاضر، نظریه‌ها و دیدگاه‌هایی خواهد بود که به نوعی بر نقش و اهمیت حضور فرد در جمع هم‌نوعان خود به عنوان متغیر مؤثر در کنترل اعتیاد و جرایم ناشی از آن، تأکید دارند؛ بنابراین در بررسی ساختار انجمن معتادان گمنام و فرایند و محتوای جلسات آن، به نظریه‌های مشارکت‌گرای اصلاحی پرداخته شده است.

### نظریه درمان و بازپروری

بازپروری در نقش یک کنترل‌کننده درونی به دنبال تبدیل فرد بزهکار به فرد بهنجار و مطیع قانون است. اصلاح و درمان یعنی اجرای برنامه مداوای روانی و اخلاقی، با رعایت شرایط الزم برای تأمین امنیت جامعه، به منظور بهبود امکانات سازش‌پذیری اجتماعی بزهکار. نظریه درمان و بازپروری، محصول تحولات اجتماعی اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی است (وایت و هینز، ۱۳۸۵، ص ۴۱). از نظر پیروان این نظریه، مجرم، بیماری است که باید مورد درمان و بازسازی قرار گیرد تا پس از بهبودی به آغوش اجتماع بازگردانده شود (فرج الهی، ۱۳۹۸، ص ۵۶). لذا دفاع از جامعه در مقابل خطر مجرمان بیمار، خود اساس حق اعمال واکنش‌ها در نظام‌های جزایی است (لازرز، ۱۴۰۰، ص ۴۷). بر اساس این نظریه، کنترل فرد معتاد در یک محیط اجتماعی مناسب با هدف بازپروری، می‌تواند به ترک اعتیاد او و بازگشت موفقیت‌آمیز او به جامعه کمک کند.

### نظریه اصلاح

نظریه‌ی اصلاح، از دیگر نظریه‌هایی است که الهام‌بخش انجمن معتادان گمنام بوده است. پیروان این نظریه بر این باوراند که «اصلاح متضمن تغییر در روحيات، تشخیص بد بودن عمل ارتكابی و تصمیمی صادقانه برای اصلاح زندگی آینده است؛ بنابراین، اصلاح مستلزم تغییر در نگرش اخلاقی مجرم است» (کاتینگهام، ۱۳۸۶، ص ۷۱). نظریه‌ی اصلاح مبتنی بر این پیش‌فرض است که چیز «اشتباه» یا «بدی» در مجرم بوده که تحت تربیت توأم با نظم و قاعده‌ی صحیح، قابل اصلاح، دگرگونی و یا شکل‌دهی مجدد است، اگر رفتار فرد در نهادی خاص (انجمن) بهبود یابد، در آینده دیگر دست به ارتكاب جرم نخواهد زد (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۴۰۳، ص ۱۱۴). به این ترتیب، اصلاح با تحول عمیق در روح و فکر و احساس و رفتار مجرم پیوند می‌خورد (حاجی‌ده‌آبادی، ۱۳۸۸، ص ۹۴). بر اساس این نظریه، انجمن معتادان گمنام می‌تواند با اجرای برنامه‌های اخلاقی و رفتاری، زمینه تحول جدی در شخصیت درونی فرد ایجاد کند و با اصلاح متعهدانه و اخلاق‌مندانه در افراد معتاد، زمینه پایدار ترک اعتیاد را فراهم سازد.

### نظریه شرم بازپذیرکننده

نظریه شرمساری بازپذیرکننده، رهیافتی نودورکیمی است که بر نقش نیروهای ساختاری و فرهنگی در انسجام اجتماعی و جرم انگشت تأکید می‌نهد. بریث ویت با تلفیق فرایندهای سطح خرد و سطح کلان ادعا می‌کند که نظریه شرمساری بازپذیرکننده قادر است جرم را هم در سطح تحلیل فردی و هم در سطح اجتماعی تبیین کند. پیروان این نظریه بر این عقیده‌اند که

برای اصلاح بزهکار، باید او را با صدمه‌ای که به‌بار آورده است رویاروی کرد (داویس<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵، ص ۲۰۴). به بیان دیگر، آنان بر این باوراند که گرایش‌های مجرمانه بزهکاران را می‌توان با گونه‌های تنفر درمانی یا همان ایجاد انزجار نسبت به پیامدهای ناخوشایند عمل مجرمانه و در نتیجه ایجاد یک شرمساری سازنده و بازپذیرنده - ونه مخرب - برطرف نمود (تیبیت، ۱۳۸۸، ص ۳۸؛ یزدیان جعفری، ۱۳۸۶، ص ۶۷). برای این منظور، آنان پیشنهاد می‌کنند که بزهکاران جرایم رانندگی، مانند رانندگی در حال مستی، باید در بخش تصادفات بیمارستان‌ها مشغول به کار شوند؛ یا اشخاص که نسبت به اطفال یا زنان مرتکب تجاوز به‌عنف شده و موجب ایراد آسیب جسمی و روحی نسبت به آنان می‌شوند، تحت شرایط کنترل شده با بزه‌دیده خود روبه‌رو شده و از مشاهده رنج و سختی‌ای که خود موجب آن بوده‌اند، عبرت گیرند (ظفری، ۱۳۹۸، ص ۷۵).

مفاهیم کلیدی نظریه شرمساری در قالب سه خوشه خود را نشان می‌دهد: به هم‌پیوستگی، اجتماع‌گرایی و شرمساری. بریث ویت چنین می‌انگارد که توفیق شرمساری بازپذیرکننده موقوف و موکول به دو عامل کلیدی است: به هم‌پیوستگی فرد مورد نظر و سطح اجتماع‌گرایی جامعه که وی بدان تعلق دارد. طبق نظریه شرمساری بازپذیرکننده، جامعه باید محیطی فراهم بیاورد که در آن پذیرش متخلف و برگشت او به جامعه، به عنوان هدف اصلی دنبال گردد. ابداع انجمنی با عنوان معتادان گمنام را همچنین می‌توان مبتنی بر نظریه‌ی شرم بازپذیرکننده دانست. به همین صورت، معتادان نیز با حضور در جلسات انجمن معتادان گمنام، تجربه‌های خود را به اشتراک می‌گذارند و از این راه بدرفتاری‌های خود را با زن و فرزند و دیگران به یاد آورده و آثار نامطلوب اعتیاد بر زندگی‌شان را تداعی می‌کنند که در نتیجه آن، شرمسار شده، گرایش‌های مجرمانه و عوامل فردی بزهکاری ایشان تحت تأثیر قرار می‌گیرد و تصمیم می‌گیرند که برای تغییر و اصلاح تلاش کنند.

## نظریه کنترل اجتماعی

این نظریه که توسط والتر کلس و هیرشی مطرح شد، بعد از قرن بیستم میلادی، پا به عرصه وجود نهاد. مطابق این نظریه، وقتی می‌توان از ارتکاب جرم جلوگیری به‌عمل آورد که اشخاص در جامعه، مورد نظارت و کنترل قرار گیرند؛ زیرا کج‌رفتاری و ارتکاب جرم یک امر طبیعی است و در ماهیت اشخاص وجود دارد. باید سیستم و روش‌هایی را ایجاد کنیم تا از ارتکاب عمل خلاف قانون و عرف، جلوگیری کرده باشیم. هیرشی، مهم‌ترین صاحب‌نظر این رویکرد، چهار عنصر پیوندهای اجتماعی را: دل‌بستگی، تعهد، مشارکت و باور معرفی می‌کند. از نگاه او پیوند میان فرد و جامعه مهم‌ترین علت هم‌نوایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فردی

1. Davies

است و ضعف این پیوند یا نبود آن موجب اصلی کج‌روی است. هیرشی معتقد است که علقه‌ها یا پیوندهای اجتماعی متعارف مثل زناشویی، دوستی، همکار بودن و ... نقش کنترل‌کننده عمده‌ای را در عدم ارتکاب جرم ایفا می‌کنند. هر قدر که این روابط و دل‌بستگی‌های فرد ضعیف باشد استعداد او برای ارتکاب جرم بیشتر است (ویلیامز و مک‌شین، ۱۴۰۳، ص ۱۳۴؛ وایت و هینز، ۱۴۰۳، ص ۱۴۳). رویکرد کنترل اجتماعی به این پرسش که چرا تنها عده کمی از مردم درگیر رفتارهای کج‌روی از قبیل جرم و مصرف مواد مخدر می‌شوند؟ این‌گونه پاسخ می‌دهد که در این امر، میزان تعهد درونی فرد و نیز تعهد فرد به جامعه، عامل تعیین‌کننده است. جوانانی که دارای وجدان خود الزام‌گر می‌باشند و تعهد و ارتباطات محکمی با والدین و مدرسه دارند تا حد کمتری درگیر رفتار مجرمانه می‌شوند.

در آغاز سال‌های ۱۹۹۰، نظریه دیگری از هیرشی و گات فردسون، به عنوان نظریه کنترل عمومی جرم، مطرح شد. به موجب این نظریه، افزایش جرایم در جامعه، ریشه در پایین بودن درجه خودکنترلی افراد دارد. در چنین افرادی، پلیس باطن یا وجدان درونی در فرآیند تربیت و آموزش و پرورش و جامعه‌پذیری خوب نهادینه نشده است. این نظریه به خودکنترلی - خودانتظامی پایین فرد مجرم مشهور است. علت اصلی جرم، روابط اجتماعی شکننده و سست فرد با جامعه نیست، بلکه قدرت کنترل رفتارهای فرد توسط خود او ضعیف شده است. آنها معتقد بودند که جامعه‌پذیری و آموزش برای محدود کردن منافع شخصی انسان و ایجاد خودکنترلی ضروری است. اگر تربیت و جامعه‌پذیری در دوران کودکی ناکافی باشد، سطوح خودکنترلی ضعیف می‌شود و این امر منجر به بروز رفتارهای لذت‌جویانه می‌شود که ارتکاب جرم، یکی از این رفتارهای لذت‌جویانه می‌باشد. افزایش خودکنترلی منجر به خنثی‌سازی گرایش‌های مجرمانه و عوامل فردی بزهکاری و سطوح پایین جرم می‌شود.

بنابراین، بر اساس نظریه‌های کنترل اجتماعی، کج‌روی هنگامی به وجود می‌آید که تعهد فرد ضعیف باشد و یا از بین برود. میزان تعهد با قیدوبندهای درونی و بیرونی تعیین می‌شود. به عبارتی کنترل‌های درونی و بیرونی مشخص می‌کنند که آیا ما به طرف رفتار کج‌روانه یا کاملاً قانونی برویم. انجمن معتادان گمنام در صدد است تا کنترل‌های درونی و بیرونی مؤثر بر اشخاص را تقویت و ترمیم نماید و از این راه گرایش‌های مجرمانه و عوامل فردی بزهکاری را کنترل نماید.

### نظریه معاشرت‌های ترجیحی یا افتراقی

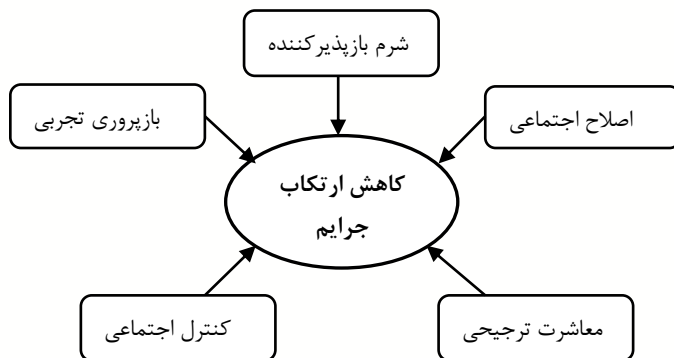
نظریه معاشرت‌های ترجیحی یا افتراقی<sup>۱</sup> توسط ادوین ساترلند مطرح شده و مبتنی بر چگونگی انتقال رفتار است. به باور او رفتارها در یک فرایند محیطی و اجتماعی یاد گرفته می‌شوند. از

1. Differential Associations

دیدگاه ساترلند جرم در نتیجه ترجیح یا غلبه‌ی محیط‌های ناباب، کج‌رو و ضداجتماعی بر محیط‌های قانون‌مدار و ارزش‌مدار بر فرد خاص، آموخته می‌شود. فرد، در چنین شرایطی ارتکاب جرم را می‌آموزد. معاشرت با فرد یا گروه کج‌رو زمانی جرم‌زاست که اولاً دارای فراوانی باشد، ثانیاً از نظر مدت، استمرار داشته و طولانی باشد. ثالثاً از نظر کیفی به نحوی باشد که اصطلاحاً ارتباط، ارتباطی صمیمانه و گروهی باشد؛ یعنی فرد وارد گروه کج‌رو شود و اهداف را بپذیرد. در چنین شرایطی مرتکب جرم خواهد شد (ویلیامز و مک شین، ۱۴۰۳، ص ۱۵۵؛ وایت و هینز، ۱۴۰۳، ص ۱۸۶). از نگاه پیروان نظریه معاشرت‌های ترجیحی، نهادهای خانواده و مدرسه و همسالان، همگی سازوکارهای جامعه‌پذیری فرد هستند، اما همین‌ها ممکن است بستر فراگیری جرم باشند. در واقع، سازوکار یکی است اما نحوه آرایش و مدیریت متفاوت است. مثلاً در برخی از خانواده‌ها؛ پدر، معتاد و مادر، بی‌تفاوت است. چنین خانواده به‌جای جامعه‌پذیر کردن فرد، الگوهای جرم را به او می‌آموزد. در حالی‌که اگر بستر خانواده متفاوت باشد، فرزندان همین سازوکارها را طی می‌کنند ولی به افرادی قانون‌گرا تبدیل می‌شوند. انجمن معتادان گمنام در صدد است تا با الگوپذیری از نظریه معاشرت‌های ترجیحی، بستر مطلوبی را برای تعامل و کنش متقابل افراد فراهم کند و از این طریق، شرکت‌کنندگان در انجمن را به اشخاص قانون‌گرا تبدیل نماید.

## مدل نظری پژوهش

شرح مباحث نظری مطرح در قسمت مبانی نظری، چگونگی تحلیل و تبیین نظری کاهش ارتکاب جرایم را نشان می‌دهد. قاعدتاً عملیاتی نمودن تبیین نظری مستلزم استخراج مدل نظری و تدوین گزاره‌های فرضیه‌ای است که بتواند الگوی روابط متغیرها را به‌صورت نظام‌مند برای ارزیابی و سنجش میدانی و عملیاتی نشان دهد. با جمع‌بندی و تحلیل مبانی نظری مطرح در خصوص کاهش ارتکاب جرایم، می‌توان الگوی مدل نظری زیر را استخراج کرد:



شکل ۱- الگوی مدل نظری

## روش

این تحقیق با توجه به هدف آن که بررسی تأثیر حضور در انجمن NA بر کاهش وابستگی به مواد مخدر است، کاربردی بوده و بر اساس چگونگی به دست آوردن داده‌های مورد نیاز در زمره تحقیقات توصیفی (غیرآزمایشی) و از نوع تحقیق همبستگی است. هدف روش همبستگی مطالعه حدود تغییرات یک یا چند متغیر با حدود تغییرات یک یا چند متغیر دیگر است (حافظ‌نیا، ۱۴۰۲، ص ۹۹؛ سرمد، بازرگان و حجازی، ۱۴۰۳، ص ۸۹).

جامعه آماری تحقیق حاضر، عبارت است از کلیه معنادان گمنام شهرستان ایزه که در سال اجرای تحقیق در جلسات و برنامه‌های معنادان گمنام مشارکت داشته و شامل ۲۶۰ نفر بوده‌اند. در تحقیق حاضر نمونه آماری با جامعه آماری آن یکسان است و عبارت است از کلیه معنادان گمنام شهرستان ایزه که البته از تعداد ۲۶۰ نفر، در مجموع تعداد ۱۰۲ نفر از آنها حاضر به همکاری شدند. شیوه نمونه‌گیری نیز تمام‌شماری است.

در پژوهش حاضر، ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه محقق ساخته است که با مراجعه به خبرگان و متخصصان حقوق کیفری و جرم‌شناسی و نیز علوم اجتماعی، روایی و پایایی آن مورد تأیید قرار گرفته است. محقق پس از بررسی اسناد کتابخانه‌ای، با مراجعه مستقیم به اداره بهزیستی و انجمن معنادان شهرستان ایزه، اطلاعات مورد نیاز را جمع‌آوری کرده است. در این پژوهش با توجه به فرضیه‌های پژوهش از آمار توصیفی (جداول فراوانی، درصد فراوانی) و آمار استنباطی استفاده شده و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای Excel و spss صورت پذیرفته است.

## یافته‌ها

در این قسمت کلیه یافته‌های تجربی مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش تحلیل داده‌ها شامل دو بخش تحلیل توصیفی و تحلیل تبیینی است. در تحلیل توصیفی توزیع داده‌های تجربی هر یک از متغیرها بررسی شده است. در تحلیل تبیینی به بررسی تأثیر حضور در انجمن معنادان گمنام بر کاهش ارتکاب جرایم مرتبط مواد مخدر و روان‌گردان می‌پردازیم و رابطه بین متغیرها و تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته با تحلیل‌های آماری انجام می‌گیرد.

**الف) یافته‌های توصیفی:** از حیث توصیف متغیرهای زمینه‌ای، همان‌گونه که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، سن بیشتر آزمودنی‌ها بین ۳۰-۴۰ سال بوده که حدود ۳۹ درصد را به خود اختصاص داده و کمترین درصد سنی مربوط به افراد زیر ۲۰ سال است که حدود ۶ درصد می‌باشد. آمار اخیر اگرچه درصد کمی را شامل می‌گردد، اما متأسفانه تأییدکننده کاهش یافتن سن اعتیاد به زیر ۲۰ سال است که از وخیم‌تر شدن وضعیت معضل اعتیاد در کشور حکایت دارد.

از نظر وضعیت تحصیلات، بیشترین درصد (حدود ۴۴ درصد) مربوط به تحصیلات دبیرستان و دیپلم است؛ در مقابل کمترین درصد آزمودنی‌ها (حدود ۳ درصد) دارای تحصیلات کارشناسی ارشد و بالاتر بوده‌اند. همچنین، محل تولد و محل سکونت پاسخ‌گویان به ترتیب ۳۰ درصد و ۱۵ درصد روستا، ۷۰ درصد و ۸۵ درصد شهر بوده است.

از نظر درآمد ماهانه نیز بیشترین میزان (حدود ۳۲ درصد) مربوط به درآمد حدود ۱.۵ میلیون تومان بوده و کمترین درآمد (زیر ۵۰۰ هزار تومان) مربوط به حدود ۹ درصد افراد بوده است. حدود ۵۴ درصد از پاسخگویان فاقد وسیله نقلیه و حدود ۴۱ درصد فاقد منزل شخصی بوده و حدود ۵۲ درصد از ایشان در خانه‌هایی با وسعت کمتر از ۱۵۰ متر سکونت داشته‌اند. این آمار در کنار سایر شاخص‌های اقتصادی گویای این واقعیت است که اغلب شرکت‌کنندگان در برنامه‌های انجمن معتادان گمنام شامل افراد طبقات پایین جامعه می‌گردند.

جنسیت حدود ۸۷ درصد از پاسخگویان یعنی معادل ۸۹ نفر، مرد بوده و ۱۳ نفر باقیمانده اعلام نشده است. مطابق یافته‌های تحقیق، حدود ۶۰ درصد از شرکت‌کنندگان در برنامه‌های انجمن معتادان گمنام متأهل و حدود ۳۲ درصد مجرد بوده‌اند. آمار اخیر در کنار یافته‌های استنباطی که در ادامه ارائه خواهد شد نشان‌دهنده این واقعیت است که معتادان متأهل به دلیل نقش حمایتی خانواده یا فشار روانی ناشی از روابط میان همسر یا فرزندان، حضور پررنگ‌تر و مشارکت بیشتری در برنامه‌های انجمن معتادان گمنام دارند.

یافته‌ها نشان می‌دهد که حدود ۶۲ درصد از پاسخگویان لر، حدود ۲۴ درصد فارس و بقیه لک و عرب و سایر اقوام بوده‌اند و انگیزه ۵۴ درصد از آنان از شرکت در انجمن معتادان گمنام، ترک مواد بوده است. همان‌گونه که نتایج نشان می‌دهد ۴۱ درصد از پاسخگویان در حال حاضر سیگار مصرف می‌کنند و مشروبات الکلی با حدود ۱ درصد و مواد روان‌گردان با حدود ۳ درصد، به ترتیب کمترین نوع موادی بوده که قبلاً توسط ایشان استعمال شده است.

یافته‌های تحقیق حاکی از این است که تمام پاسخ‌گویان از مدت‌ها قبل در انجمن معتادان گمنام شرکت می‌کرده‌اند. این امر می‌تواند به دلیل تأثیرات مثبتی باشد که برنامه‌های انجمن بر آنها داشته است؛ زیرا اکثریت پاسخگویان به گویه «قبل از آشنایی با انجمن احتمال رفتنم به سمت مواد بیشتر بود» پاسخ موافق (۷۸ درصد) و کاملاً موافق (۸۵.۳ درصد) داده‌اند؛ همچنین، بیش از ۸۶ درصد از پاسخگویان به گویه «شرکت در انجمن باعث تصمیم جدی برای عدم مصرف و مواد در من می‌شود» و نیز گویه «از زمان شرکت در انجمن دیگر به سمت مصرف مواد نرفته‌ام» پاسخ کاملاً موافق داده‌اند و با گویه‌های مشابه نیز با درصد بالایی موافقت کرده‌اند.

ب) یافته‌های تبیینی: از حیث تجزیه و تحلیل یافته‌های استنباطی، در ادامه به آزمون فرضیه‌های تحقیق پرداخته می‌شود. یافته‌های استنباطی دربرگیرنده اطلاعاتی است در خصوص آن دسته از روش‌های آماری است که ما را قادر می‌سازد تا با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده به اطلاعات ناشناخته برسیم. اجرای این اعمال مستلزم برآورد پارامترهای جامعه از طریق است که به روش تمام‌شماری انتخاب گردید.

در این تحقیق با آزمون ضریب همبستگی و بررسی رابطه رگرسیونی به بررسی فرضیه‌ها پرداخته شده و در نهایت در خصوص رد یا تأیید آنها، داوری انجام شده است. همچنین، با استفاده از تحلیل عاملی، به منظور یافتن عامل اصلاح از شاخص‌های تغییر نگرش، تغییر رفتار و تغییر در گرایش استفاده شده و برای تحلیل، روش تحلیل «مؤلفه‌های اساسی» با استفاده از روش چرخشی از نوع «واریماکس» بررسی نمودار «اسکری» مورد استفاده قرار گرفت. در جدول (۱) مشخصه‌های نهایی آماری تحلیل عوامل ارائه شده است: با توجه به اینکه مقدار آزمون بارتلت و KMO حدود ۰/۶۷۳ بالاتر از ۰/۶ می‌باشد؛ یعنی تحلیل عاملی مناسب بوده است. عامل‌های اول، دوم و سوم مجموعاً ۶۴/۲۵٪ از واریانس یا تغییرپذیری متغیر را توضیح می‌دهند. این عوامل، عوامل و متغیرهای اصلی تحقیق هستند که از مدل نظری استخراج شدند. این عوامل، متغیرهای تاثیرگذار بر متغیر وابسته هستند.

جدول ۱- نتایج تحلیل عوامل

| بار عاملی | ماده        |
|-----------|-------------|
| ۰/۸۳۲     | تغییر نگرش  |
| ۰/۷۹۲     | تغییر رفتار |
| ۰/۷۸۰     | تغییر گرایش |

در مرحله بعد، میزان ضریب همبستگی میان متغیرها بررسی شده است که نتایج آن به شرح زیر می‌باشد.

جدول ۲- نتایج ضریب همبستگی متغیرها

| کاهش جرایم | کنترل اجتماعی | معاشرت ترجیحی | بازپروری تجربی | اصلاح اجتماعی | شرم بازدارنده |              |               |
|------------|---------------|---------------|----------------|---------------|---------------|--------------|---------------|
|            |               |               |                |               | ۱             | ضریب همبستگی | شرم بازدارنده |
|            |               |               |                |               |               | P            |               |

| کاهش جرایم | کنترل اجتماعی | معاشرت ترجیحی | بازپروری تجربی | اصلاح اجتماعی | شرم بازدارنده |              |                |
|------------|---------------|---------------|----------------|---------------|---------------|--------------|----------------|
|            |               |               |                | ۱             | ۰/۰۵۶         | ضریب همبستگی | اصلاح اجتماعی  |
|            |               |               |                |               | ۰/۵۷۸         | P            |                |
|            |               |               | ۱              | ۰/۷۳۷         | ۰/۱۲۷         | ضریب همبستگی | بازپروری تجربی |
|            |               |               |                | *۰/۰۰         | ۰/۲۰۷         | P            |                |
|            |               | ۱             | ۰/۶۳۳          | ۰/۴۸۶         | ۰/۰۰۲         | ضریب همبستگی | معاشرت ترجیحی  |
|            |               |               | *۰/۰۰          | *۰/۰۰         | ۰/۹۸۴         | P            |                |
|            | ۱             | ۰/۶۳۸         | ۰/۵۸۴          | ۰/۴۸۳         | ۰/۰۲۹         | ضریب همبستگی | کنترل اجتماعی  |
|            |               | *۰/۰۰         | *۰/۰۰          | *۰/۰۰         | ۰/۷۷۴         | P            |                |
| ۱          | ۰/۴۲۲         | ۰/۳۳۷         | ۰/۵۶۰          | ۰/۴۷۵         | ۰/۲۳۸         | ضریب همبستگی | کاهش جرایم     |
|            | *۰/۰۰         | *۰/۰۱         | *۰/۰۰          | *۰/۰۰         | *۰/۰۱۶        | P            |                |

$P < 0.05^*$

فرضیه اول: بین شرم بازپذیرکننده و کاهش ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر در بین معتادان حاضر در انجمن معتادان گمنام ایذه رابطه وجود دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین دو متغیر، شرم بازپذیرکننده (متغیر مستقل) و کاهش ارتکاب جرایم (متغیر وابسته) حدود  $0/238$  رابطه معنادار وجود دارد. با شرط سطح معنی‌داری  $P$  کمتر از ۵ درصد، این رابطه مورد تأیید قرار می‌گیرد. این بدان معناست که بین شرم بازپذیرنده ایجاد شده در انجمن معتادان گمنام ایذه با کاهش ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر در بین معتادان آن انجمن، هم‌تغییری مثبت و معنادار وجود دارد.

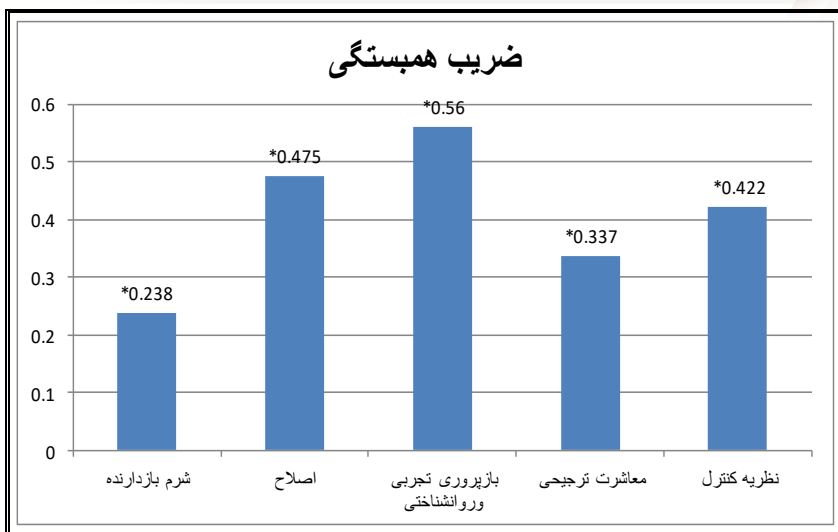
فرضیه دوم: بین اصلاح اجتماعی صورت گرفته در انجمن و کاهش ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر در بین معتادان حاضر در انجمن معتادان گمنام ایذه رابطه وجود دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین دو متغیر، اصلاح اجتماعی (متغیر مستقل) و کاهش ارتکاب جرایم (متغیر وابسته) حدود  $0/475$  رابطه معنادار وجود دارد. با شرط سطح معنی‌داری  $P$  کمتر از ۵ درصد، این رابطه مورد تأیید قرار می‌گیرد. این بدان معناست که بین اصلاح اجتماعی صورت

گرفته در انجمن معتادان گمنام ایذه با کاهش ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر در بین معتادان آن انجمن، هم‌تغییری مثبت و معنادار وجود دارد.

فرضیه سوم: بین بازپروری تجربی صورت گرفته در انجمن و کاهش ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر در بین معتادان حاضر در انجمن معتادان گمنام ایذه رابطه وجود دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین دو متغیر، بازپروری تجربی (متغیر مستقل) و کاهش ارتکاب جرایم (متغیر وابسته) حدود  $0/560$  رابطه معنادار وجود دارد. با شرط سطح معنی‌داری  $P$  کمتر از  $5$  درصد، این رابطه مورد تأیید قرار می‌گیرد. این بدان معناست که بین بازپروری تجربی صورت گرفته در انجمن معتادان گمنام ایذه با کاهش ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر در بین معتادان آن انجمن، هم‌تغییری مثبت و معنادار وجود دارد.

فرضیه چهارم: بین معاشرت ترجیحی شکل گرفته در انجمن و کاهش ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر در بین معتادان حاضر در انجمن معتادان گمنام ایذه رابطه وجود دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین دو متغیر، معاشرت ترجیحی (متغیر مستقل) و کاهش ارتکاب جرایم (متغیر وابسته) حدود  $0/337$  رابطه معنادار وجود دارد. با شرط سطح معنی‌داری  $P$  کمتر از  $5$  درصد، این رابطه مورد تأیید قرار می‌گیرد. این بدان معناست که بین معاشرت ترجیحی شکل گرفته در انجمن معتادان گمنام ایذه با کاهش ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر در بین معتادان آن انجمن، هم‌تغییری مثبت و معنادار وجود دارد.

فرضیه پنجم: بین کنترل اجتماعی شکل گرفته در انجمن و کاهش ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر در بین معتادان حاضر در انجمن معتادان گمنام ایذه رابطه وجود دارد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد بین دو متغیر، کنترل اجتماعی (متغیر مستقل) و کاهش ارتکاب جرایم (متغیر وابسته) حدود  $0/422$  رابطه معنادار وجود دارد. با شرط سطح معنی‌داری  $P$  کمتر از  $5$  درصد، این رابطه مورد تأیید قرار می‌گیرد. این بدان معناست که بین کنترل اجتماعی شکل گرفته در انجمن معتادان گمنام ایذه با کاهش ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر در بین معتادان آن انجمن، هم‌تغییری مثبت و معنادار وجود دارد.



نمودار ۱- مقدار ضرایب همبستگی در فرضیات

با توجه به جمع‌بندی فرضیه‌های پنج‌گانه تحقیق، می‌توان استدلال نمود که فرضیه کلی تحقیق مبنی بر تأثیر مثبت حضور معنادران در انجمن معنادران گمنام بر کاهش ارتکاب جرایم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان، معنادار و مورد تأیید قرار می‌گیرد.

### پردازش مدل رگرسیون

علاوه بر رابطه همبستگی، رابطه هم‌تغییری متغیرهای اصلی تحقیق نیز جزء اهداف این پژوهش است. برای این منظور از شاخص کفایت مدل رابطه رگرسیون تجمیعی استفاده شده است. نتایج این شاخص نشان می‌دهد بین هر یک از متغیرهای مستقل پنج‌گانه مدل نظری با متغیر وابسته علاوه بر رابطه همبستگی، رابطه هم‌تغییری نیز وجود دارد. گزارش این شاخص در جدول زیر ارائه شده است:

جدول ۳- شاخص کفایت مدل رابطه رگرسیونی

| ضریب همبستگی | ضریب تعیین تعدیل شده | ضریب تعیین | انحراف معیار خطا |
|--------------|----------------------|------------|------------------|
| ۰/۶۶۱        | ۰/۴۰۷                | ۰/۴۰۷      | ۳/۱۱۴۴۷          |

بر اساس گزارش شاخص رگرسیونی، همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته برابر ۰/۶۶۱ و ضریب تعیین ۰/۴۰۷، به دست آمده است. مقدار ضریب تعیین نشان می‌دهد که ۴۰ درصد تغییرات متغیر وابسته مربوط به متغیرهای مستقل پنج‌گانه مدل نظری تحقیق می‌شود؛

بنابراین با توجه به آمار شاخص رگرسیونی، مدل نظری تحقیق از کفایت لازم برای تبیین روابط متغیرهای مستقل با متغیر وابسته، برخوردار است.  
در جدول زیر معنی دار بودن رگرسیون به وسیله آزمون F محاسبه شده است.

جدول ۴- جدول معنی دار بودن رگرسیون به وسیله آزمون F

| سطح معناداری | F      | میانگین مربعات | درجه آزادی | مجموع مربعات |                  |              |
|--------------|--------|----------------|------------|--------------|------------------|--------------|
| ۰.۰۰۰        | ۱۴.۷۰۵ | ۱۴۲.۶۳۶        | ۵          | ۷۳۱.۱۸۲      | رگرسیون          | منبع تغییرات |
|              |        | ۹.۷۰۰          | ۹۵         | ۹۲۱.۴۹۱      | مقدار باقی مانده |              |
|              |        |                | ۱۰۰        | ۱۶۳۴.۶۷۳     | جمع کل           |              |

با توجه به جدول فوق سطح معنی داری محاسبه شده برای این آماره برابر ۰.۰۰۰ بوده که کمتر از ۰/۰۵ می باشد و نشان از معنی دار بودن رگرسیون در سطح ۰.۹۵ دارد.  
گزارش یافته‌های رگرسیون تفکیکی هر یک از متغیرهای پنج گانه تحقیق نیز بدین شرح است: از بین پنج متغیر مستقل مورد آزمون قرار گرفته، سه متغیر به ترتیب: معاشرت ترجیحی با ۰/۸۳۲، بازپروری تجربی با ۰/۵۱۶ و شرم باز پذیرنده با ۰/۰۷۲ تأثیر مثبت و دو متغیر به ترتیب: اصلاح رفتاری با ۰/۴۳۲، کنترل اجتماعی با ۰/۲۱۱. تأثیر منفی بر روی کاهش جرایم ناشی از مصرف مواد مخدر داشته‌اند. بدین ترتیب در بررسی تک به تک متغیرهای مستقل به صورت جداگانه، متغیرهای معاشرت اجتماعی، بازپروری و شرم باز پذیرنده تأثیر مثبت و متغیرهای اصلاح رفتاری و کنترل اجتماعی تأثیر منفی بر متغیر متغیر وابسته داشته‌اند. اما در آزمون ترکیبی متغیرها و حضور هم‌زمان پنج متغیر تأثیر معنی دار مثبتی بر کاهش جرایم معتادان انجمن داشته‌اند.

## بحث و نتیجه‌گیری

همان‌گونه که پیش‌تر هم اشاره شد، یکی از معضلات مهم کشور، مسأله مواد مخدر است که هم از حیث تعداد افراد معتاد و آسیب‌ها و جرایمی که متأثر از مصرف مواد مخدر مرتکب می‌شوند و هم از حیث پیچیدگی و دشواری‌های آن یکی از مهم‌ترین آسیب‌های اجتماعی کشور محسوب می‌شود.

بنا بر گزارش نهادهای مسئول، ۴۵ درصد از محکومان به طور مستقیم و ۲۵ درصد نیز به صورت غیرمستقیم مربوط به جرائم مواد مخدر هستند و در مجموع نزدیک به ۷۰ درصد از آمار زندانیان کشور را محکومان مرتبط با مواد مخدر به خود اختصاص داده است. همچنین

طبق بررسی‌های تخصصی، دلیل ۵۵ درصد طلاق، ۶۵ درصد همسرآزاری و ۲۰ درصد قتل‌های عمد رخ داده، اعتیاد است (عصر ایران، ۱۴۰۰؛ خبرگزاری مهر، ۱۴۰۲).

برخی جرایم مرتبط با مواد مخدر از جمله سرقت‌های خرد، طلاق، ضرب و شتم عمومیت بیشتری دارند. برابر گزارشات موجود، بسیاری از معتادان هزینه تهیه مواد مخدر مصرفی خود را از طریق جرایم اکتسابی مانند سرقت و یا کلاهبرداری به دست می‌آورند و یا در برخی موارد بعد از استعمال مواد مخدر روان‌گردان، مرتکب جرایمی نظیر تجاوز، درگیری‌های فیزیکی، گردن کشی و... می‌گردند (خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۱۴۰۳).

بنابراین وابستگی میان اعتیاد و جرایم مرتبط با آن انکار ناشدنی بوده (کوثری‌نیا، ۱۳۹۰، ص ۲۵) و شواهد زیادی آن را تأیید می‌نماید. در چنین وضعیتی صرف به‌کارگیری اقدامات سرکوب‌گرانه و واکنش‌های کیفی به منظور مقابله و مبارزه با قاچاق و استعمال مواد مخدر و روان‌گردان و جرایم مرتبط با آنها نه کافی بوده و نه نتایج مطلوب و مورد نظر را در پی خواهد داشت. از این‌رو، بهره‌جستن از اقدامات پیشگیرانه و ابزارهای غیرکیفری به منظور کاستن از اعمال مجرمانه و کاهش هزینه‌های گزاف نظام عدالت کیفری ضروری می‌باشد.

امروزه، شکست راهبردهای یک‌جانبه‌نگر سرکوب‌گرانه در برخورد با پدیده اعتیاد موجب شده است که نظام‌های مختلف جزایی با اتخاذ یک رویکرد افتراقی، سیاست مقابله با کاهش تقاضا را در کنار سیاست مبارزه با عرضه بپذیرند و لذا اندیشه بازپروری و اصلاح و درمان معتادان بیش از پیش مقبولیت یافته است. بر اساس این رویکرد، اعتیاد یک عارضه و ناراحتی جسمی در مغز است که منجر به اختلال در فعالیت آن می‌شود و لذا معتادان به علت احساس شرمندگی، ترس، خشم و عذابی که می‌کشند به حمایت نیاز دارند؛ بنابراین، کسانی که به سوءمصرف مواد مخدر و روان‌گردان پرداخته و معتاد می‌شوند، لزوماً همسان جانیان بالفطره یا افرادی که از لحاظ اخلاقی فاسد هستند تلقی نشده و در نتیجه در سیاست‌گذاری‌های مربوط به آنان تلاش می‌شود که به‌کارگیری تدابیر تأمینی و اقدامات درمانی جایگزین سخت‌گیری و خشونت گردد.

در این میان، یکی از راهبردهایی که چند دهه‌ای است در سطح بین‌المللی و ملی مورد استقبال قرار گرفته است، انجمن معتادان گمنام است. انجمن معتادان گمنام که به طور مختصر از آن با (NA) یاد می‌شود، یک سازمان مردم‌نهاد، غیردولتی و یک انجمن غیرانتفاعی است؛ این انجمن از زنان و مردانی تشکیل می‌شود که اعتیاد به مواد مخدر و روان‌گردان مشکل اصلی زندگی‌شان بوده است. این انجمن متشکل از معتادان در حال بهبودی است که به طور مرتب گرد هم می‌آیند تا با کمک به یکدیگر، پاک‌ی خود (از مواد مخدر و روان‌گردان) را حفظ کنند.

این تحقیق که با هدف بررسی میزان رابطه حضور در جلسات و برنامه‌های معتادان گمنام در کنترل عوامل فردی و گرایش‌های مجرمانه معتادان و کاهش ارتکاب جرایم مواد مخدر و روان‌گردان در میان اعضای انجمن معتادان گمنام شهرستان ایذه انجام شد، به این نتیجه دست‌یافت که میان حضور در جلسات انجمن معتادان گمنام با کاهش گرایش و نهایتاً اجتناب از ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان رابطه معناداری وجود دارد.

به بیان دیگر، تجزیه و تحلیل یافته‌های استنباطی حاکی از اثبات کلیه فرضیه‌های تحقیق است. همان‌گونه که نتایج جداول رگرسیونی تحقیق نشان می‌دهد متغیرهای مستقل شرم‌بازپذیرنده، اصلاح، کنترل، معاشرت ترجیحی و بازپروری تجربی در کاهش ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان مؤثر می‌باشند. در واقع، فارغ از نوع و تعداد متغیرهای مورد آزمون قرار گرفته در این پژوهش، در کل، یافته‌های پژوهش حاضر به نوعی در تأیید نتایج پژوهش‌های پیشین که به طور خاص درباره انجمن معتادان گمنام انجام شده، مانند پژوهش مرادی و نوری (۱۴۰۳)؛ غلامی و همکاران (۱۴۰۳)؛ تاج‌بخش و گودرزی (۱۴۰۲)؛ قدرتی و رحیمی چیتگر (۱۴۰۰) و هاشمی و شعبان (۱۳۹۵)، از کارآمدی و اثربخشی انجمن مزبور و برنامه‌های آن حکایت دارد.

دلایل این موفقیت را باید در ماهیت انجمن معتادان گمنام و سازوکار برنامه‌های آن جست‌وجو کرد. همان‌گونه که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، حضور در انجمن معتادان گمنام موجب می‌شود که خاطرات بد و سیاه و تبهکاری‌های شخص تحت درمان برای او تداعی شده و موجبات شرمساری او فراهم گردد. لکن ماهیت انجمن معتادان گمنام و نحوه ارتباط اعضای آن با هم مانع از این می‌گردد که شرمساری مزبور موجب تحقیر و تخریب شخصیت معتاد گردد؛ بلکه برعکس، به او می‌آموزد که او می‌تواند گذشته را چراغ راه آینده ساخته و با یاری گرفتن از خداوند و با کمک دوستانش، وضعیت را تغییر داده، گذشته را جبران نماید.

با توجه به نتایج تحقیق، حضور در انجمن معتادان گمنام، موجب می‌شود که معتاد نگرش‌های مفید، مطلوب و سازنده را جایگزین نگرش‌های منفی و مخرب گذشته نموده و با برخورداری از آرامش روانی، از دشمنی با خود و دیگران دست بردارد. حضور در انجمن معتادان گمنام، همچنین موجب می‌شود که معتاد برای حل مشکلات خود روش‌های جدیدی را بیاموزد و برخی از مهارت‌های مهم ارتباطی را فراگیرد و بر اساس آنها بتواند بر مشکلات، وسوسه‌ها و محرکاتی که او را به مصرف دوباره مواد فرامی‌خواند، غلبه کرده و از سقوط دوباره در ورطه بزهکاری و ارتکاب جرایم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان امتناع کند.

همان‌گونه که یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد، برخلاف آنچه ممکن است برای فرد معتاد در گروه‌های خانوادگی و برخی انجمن‌ها اتفاق بیافتد، اعضای انجمن معتادان گمنام، اعضای

جدید و تازه‌وارد را طرد نمی‌کنند، بلکه به دلیل همدردی و اشتراک در هدف، او را با آغوش باز و به گرمی می‌پذیرند و مورد حمایت قرار می‌دهند. این امر، ضمن اینکه احساس عزت و کرامت نفس، اعتماد به نفس و خودکنترلی را در معتاد تقویت می‌کند، موجب می‌شود که معتاد خود را در یک شبکه نظارتی دوستانه (و نه خصمانه) احساس کرده و خودکنترلی و مسئولیت‌پذیری وی تقویت گردد.

بنابراین می‌توان گفت که نتایج تحقیق حاضر ضمن همسو بودن با برخی از یافته‌های تحقیقات پیشین، تأییدی است بر الگوی مدل نظری مستخرج از مبانی نظری. به این ترتیب، می‌توان استدلال نمود که انجمن معتادان گمنام شهرستان ایزه توانسته است با ایجاد همدلی و صمیمیت و درک متقابل میان اعضا، عوامل فردی و گرایش‌های مجرمانه ایشان را خنثی کرده و در جلوگیری از کاهش ارتکاب جرایم مربوط به مواد مخدر و روان‌گردان توسط اعضا انجمن نقش داشته باشد.

## پیشنهادها

به این ترتیب، با توجه به نقش مثبت انجمن معتادان گمنام که می‌تواند در خنثی‌سازی گرایش‌های مجرمانه و نقشی که در جلوگیری از ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان داشته باشد، توصیه می‌شود که سیاست حمایت و تقویت انجمن‌های موجود را در دستور کار مسئولین سیاست جنایی کشور قرار گرفته، بسترهای تقنینی، مالی و سازمانی لازم را جهت گسترش و توسعه کمی و کیفی انجمن‌های معتادان گمنام فراهم گردد. البته با عنایت به اینکه یکی از رموز موفقیت انجمن معتادان گمنام، ماهیت غیردولتی و مردم‌نهاد بودن انجمن و داوطلبانگی و گمنامی اعضای آن است، اکیداً توصیه می‌گردد که حمایت‌های رسمی باید به صورت کاملاً غیرمستقیم و بی‌طرفانه باشد.

همچنین، با توجه به کارآمدی انجمن معتادان گمنام در کنترل عوامل فردی و گرایش‌های مجرمانه و اینکه انتظار می‌رود این انجمن در بلندمدت نیز بتواند نتایج و آثار مطلوبی را از نظر کاهش ارتکاب جرایم مرتبط با مواد مخدر و روان‌گردان به دنبال داشته باشد، پیشنهاد می‌شود که نقش برنامه‌ها و جلسات انجمن‌های معتادان گمنام در خنثی‌سازی عوامل فردی و گرایش‌های مجرمانه، در دیگر نقاط کشور، به‌ویژه کلان‌شهرها از راه پژوهش‌های جدید مورد بررسی قرار گیرد تا تصویر جامع‌تر و دقیق‌تری را از کارکردهای انجمن مزبور برای سیاست‌گذاران کشور فراهم شود.

## منابع

- آرمان امروز. (۱۴۰۳، ۳۰ تیر). چالش سرمایه انسانی دولت با ۴.۵ میلیون معتاد [کد خبر ۵۲۶۸۳]. بازیابی شده در ۲۴ آبان ۱۴۰۴، از <https://armandaily.ir/?p=52683>
- ابراهیمی، محمدحسن. (۱۳۹۲). رویکرد چند نهادی به پیشگیری از جرایم مواد مخدر و روانگردان با تأکید بر عملکرد ستاد مبارزه با مواد مخدر (پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران).
- انجمن معتادان گمنام ایران. (۱۴۰۴). درباره ما. بازیابی شده در ۱۵ شهریور ۱۴۰۴، از <http://www.nairan.org/Aboutus1.asp>
- پژوهان. (۱۴۰۴). بررسی عوامل موثر در اعتیاد به مواد مخدر و پایداری ترک اعتیاد در گروه معتادین خودیار (گمنام) شهرستان خمین. بازیابی شده در ۱۵ شهریور ۱۴۰۴، از [http://vdresearch.arakmu.ac.ir/webdocument/load.action?webdocument\\_code=1000&masterCode=7000440](http://vdresearch.arakmu.ac.ir/webdocument/load.action?webdocument_code=1000&masterCode=7000440)
- تاجبخش، غلامرضا، و گودرزی، امین. (۱۴۰۲). طراحی الگوی تبیینی مؤلفه‌های فرهنگی اجتماعی ترک پایدار اعتیاد در کشور ایران. پژوهش‌های جرم‌شناختی پلیس، ۴(۱۳)، ۸۳-۱۰۳.
- [http://cr.jrl.police.ir/article\\_102519.html](http://cr.jrl.police.ir/article_102519.html)
- تیبیت، مارک. (۱۳۸۸). فلسفه حقوق. ترجمه حسن رضایی خاوری. چاپ دوم. دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- حاجی ده‌آبادی، محمدعلی. (۱۳۸۸). اصلاح مجرمان در سیاست جنایی تقنینی ایران. فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، ۳۹(۳)، ۸۳-۱۰۴.
- [https://jllq.ut.ac.ir/article\\_20112.html](https://jllq.ut.ac.ir/article_20112.html)
- حافظ‌نیا، محمدرضا. (۱۴۰۲). مقدمه‌ای بر روش تحقیق در علوم انسانی (چ سی و دوم). انتشارات سمت.
- خبرگزاری جمهوری اسلامی. (۱۴۰۳، ۲۶ اردیبهشت). ۵۰ درصد مجرمان در زندان با مساله اعتیاد و مواد مخدر در ارتباط هستند. [کد خبر ۸۵۴۷۸۰۱۵]. بازیابی شده در ۲۴ آبان ۱۴۰۴، از <https://irna.ir/xjQz2j>
- خوانساری، ابوالفضل، و جعفری هرندی، رضا. (۱۴۰۱). اثربخشی آموزش دوازده قدم انجمن معتادان گمنام بر تاب‌آوری و خودکارآمدی اعضای انجمن معتادان گمنام. اعتیاد پژوهی، ۱۶(۶۴)، ۲۵۹-۲۷۸.
- <https://etiadpajohi.ir/article-1-2589-fa.html>
- سبزی، سعید، و اسلمی، الهه. (۱۴۰۱). اثربخشی روش دوازده قدم انجمن معتادان گمنام بر تعارضات زناشویی و تعارضات والد-فرزندی معتادان. اعتیاد پژوهی، ۱۶(۶۳)، ۳۳۵-۳۵۸.
- <https://etiadpajohi.ir/article-1-2581-fa.html>
- سرمد، زهره، بازرگان، عباس، و حجازی، الهه. (۱۴۰۳). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری (چ بیست و نهم). نشر آگاه.
- شیخ‌انصاری، مهین. (۱۴۰۲). سازوکارهای درمانی انجمن معتادان گمنام و کنگره ۶۰: شبکه روابط اجتماعی جایگزین برای معتادان در حال بهبودی. مطالعات اجتماعی ایران، ۱۷(۳)، ۱۱۹-۱۵۲.
- [http://www.jss-isa.ir/article\\_714227.html](http://www.jss-isa.ir/article_714227.html)

- ظفری، محمدرضا. (۱۳۹۸). مبانی عدالت جزایی در حقوق اسلامی (چ دوم). تهران: امیرکبیر.  
 - عصر ایران. (۱۴۰۰، ۴ خرداد). ۷۰ درصد زندانیان ایران مربوط به مواد مخدر هستند (کد خبر ۷۹۱۱۳۳). بازیابی شده در ۲۴ آبان ۱۴۰۴، از

<https://www.asriran.com/003JoD>

- عصر ایران. (۱۴۰۴، ۶ شهریور). آمار نگران‌کننده اعتیاد در ایران (کد خبر ۱۰۹۰۸۵۷). بازیابی شده در ۲۴ آبان ۱۴۰۴، از

<https://www.asriran.com/004ZmT>

- عنایت، حلیمه؛ اکبری، علی؛ محمدی، محمد و حسینی، مریم. (۱۴۰۳). ناکامی در رهایی، فرآیند ترک اعتیاد در بین زنان معتاد شهر شیراز. زن و جامعه، ۱۵(۲)، ۹۷-۱۱۰.

<https://ensani.ir/fa/article/586619>

- جلیلی غلامی، زهرا؛ عرب هاشمی، ملیحه و صباغ حسن زاده، طلعت سادات. (۱۴۰۳). اثربخشی درمان شناختی- رفتاری مبتنی بر مدل مایکل فریش بر مسئولیت‌پذیری اجتماعی و بهزیستی روان‌شناختی درمان‌جویان مراکز ترک اعتیاد. پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی، ۱۴(۵۳)، ۱۰۹-۱۲۲.

[https://www.socialpsychology.ir/article\\_198038.html](https://www.socialpsychology.ir/article_198038.html)

- فرج الهی، رضا. (۱۳۹۸). جرم‌شناسی و مسئولیت کیفری. چاپ دوم. بنیاد حقوقی میزان.  
 - قدرتی، شفیعه، و رحیمی چیتگر، حمید. (۱۴۰۰). مطالعه کیفی تجربه زیسته افراد شرکت‌کننده در انجمن معتادان گمنام از کارکردهای انجمن در ترک اعتیاد. فصلنامه اعتیاد پژوهی، ۱۵(۶۲)، ۲۸۹-۳۲۲.  
 - کاتینگهام، جان. (۱۳۸۶). فلسفه مجازات (مترجمان: ابراهیم باطنی و محسن برهانی). حقوق اسلامی، ۱(۴)، ۱۴۷-۱۷۰.

[https://hoquq.iict.ac.ir/article\\_22701.html](https://hoquq.iict.ac.ir/article_22701.html)

- کوثری‌نیا، فاطمه. (۱۳۹۰). تحلیل و بررسی جرایم مربوط به مواد مخدر در شهرستان کاشان (پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز).

- لازرژ، کریستین. (۱۴۰۰). درآمدی به سیاست جنایی. مترجم علی حسین نجفی‌ابرنادآبادی. چاپ دهم. بنیاد حقوقی میزان.

- محمدی، شیرکوه. (۱۴۰۳). مرکز اعتیاد ناب: ترسیم الگوی کارکردی مطلوب سازمانی مراکز ترک اعتیاد در ایران. اعتیاد پژوهی، ۱۸(۷۳)، ۱۰۹-۱۳۴.

<https://etiadjohi.ir/article-1-3100-fa.html>

- محمدی، شیرکوه، و نعمتی، سارا. (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی سازمانی مراکز ترک اعتیاد در پاسخگویی به خواسته‌های محیط بیرونی: تاملی بر دیدگاه‌های ذینفعان. اعتیاد پژوهی، ۱۷(۶۹)، ۳۵۳-۳۸۰.

<https://etiadjohi.ir/article-1-2969-fa.html>

- مرادی، علیرضا، و نوری، هادی. (۱۴۰۳). شناسایی و اولویت‌بندی عوامل مؤثر بر ترک اعتیاد به مواد مخدر در مراکز ترک اعتیاد استان سیستان و بلوچستان. پژوهش‌های مدیریت عمومی، ۱۷(۶۵)، ۲۳۱-۲۵۸.

[https://jmr.usb.ac.ir/article\\_8454.html](https://jmr.usb.ac.ir/article_8454.html)

- مزیدی، مجتبی. (۱۳۸۷). مقایسه اثر ترکیب ساختار قومی جمعیت در میزان بروز جرم اعتیاد و قاچاق مواد مخدر در استان گلستان (پایان نامه کارشناسی ارشد رشته جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز).

- مشرق. (۱۴۰۴، ۶ شهریور). ۲.۸ میلیون نفر در ایران دچار اعتیاد هستند (کد خبر ۱۷۴۵۲۷۳). بازیابی شده در ۲۴ آبان ۱۴۰۴، از

<https://www.mshrgh.ir/1745273>

- معظمی، شهلا، و پارسا، محمد. (۱۳۸۸). انجمن معتادان گمنام از منظر عدالت ترمیمی. *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۳(۶۸)، ۱۲۱-۱۳۶.

مهر (۱۴۰۲، ۲۷ مرداد). ۴۵ درصد زندانیان کشور معتاد هستند (کد خبر ۵۸۶۴۵۱۱). بازیابی شده در ۲۴ آبان ۱۴۰۴، از

[mehrnews.com/x32RxV](http://mehrnews.com/x32RxV)

- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، و هاشم بیگی، حمید. (۱۴۰۳). *دانش نامه جرم‌شناسی*. دانشگاه شهید بهشتی و گنج دانش.

- وایت، رابرت داگلاس، و هینز، فیونا. (۱۴۰۳). جرم و جرم‌شناسی (علی سلیمی با همکاری محسن کارخانه و فرید مخاطب قمی، مترجمان، چ سیزدهم). پژوهشکده حوزه و دانشگاه.

- ویلیامز، فرانک. پی، و مک شین، ماری لین ری. (۱۴۰۳). *نظریه‌های جرم‌شناسی* (حمیدرضا ملک محمدی، مترجم، چ هشتم). نشر میزان.

- هاشمی، سیدضیاء، و شعبان، مریم. (۱۳۹۵). انجمن معتادان گمنام و اثربخشی رویکردهای اخلاق محور در بازپروری معتادان. *بررسی مسائل اجتماعی ایران*، ۷(۲)، ۲۱۹-۲۴۹.

[https://ijsp.ut.ac.ir/article\\_63797.html](https://ijsp.ut.ac.ir/article_63797.html)

- یزدیان جعفری، جعفر. (۱۳۸۶). توجیهات فلسفی مجازات از وحدت‌گرایی تا تکثرگرایی. *فصلنامه حقوق دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، ۳۷(۴)، ۳۲۷-۳۵۰.

[https://jllq.ut.ac.ir/article\\_19232.html](https://jllq.ut.ac.ir/article_19232.html)

- Davies, M., Croall, H. & Tyrer, J. (2005). *Criminal justice: An introduction to the criminal justice system in England & Wales*. (2 nd ed). Longman.